

به نام خدا

جزوه

آیین دادرسی مدنی به صورت نموداری

برگرفته شده از کتاب آیین دادرسی مدنی دکتر عبدالله شمس

تعریف آئین دادرسی مدنی:

خواهان در مقام اقامه دعوا و تعقیب آن، خوانده در مقام دفاع و مرجع صالح در مقام رسیدگی و صدور رأی، اصول و قواعدی را باید رعایت نماید که آئین دادرسی مدنی نامیده می شود.

تعریف آئین دادرسی کیفری:

خواهان در مواردی که تضییع و انکار حقوق دیگران به قید مجازات ممنوع و جرم است باید اصول و قواعدی را و بعلاوه مرجع صالح رعایت نماید که آئین دادرسی کیفری نامیده می شود.

تعریف آئین دادرسی اداری:

در مواردی که تضییع یا انکار حقوق دیگران توسط دولت یا تشکیلات عمومی غیر دولتی (شهرداری)، اصول و قواعدی را که باید خواهان و مرجع صالح در مقام رسیدگی و صدور رأی را باید رعایت نماید آئین دادرسی اداری نامیده می شود.

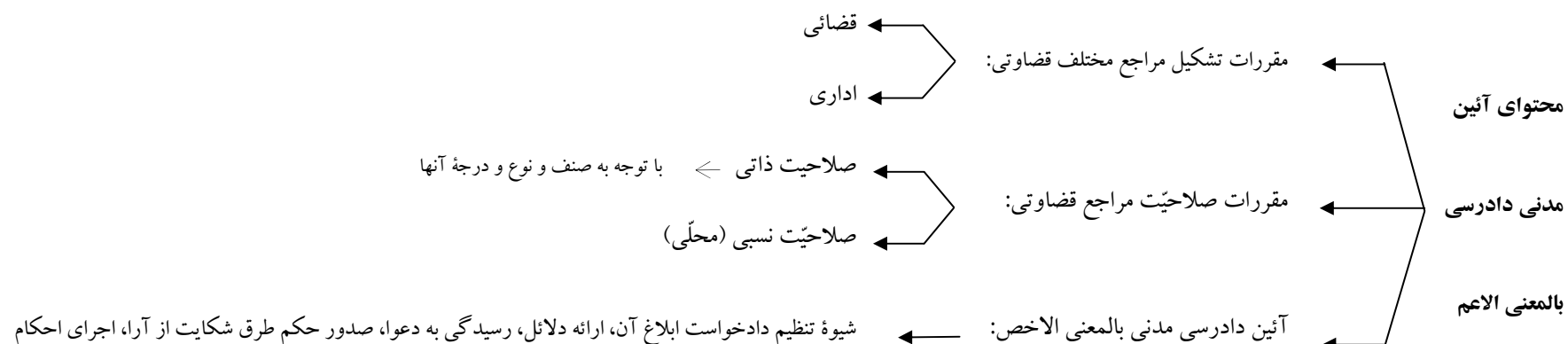
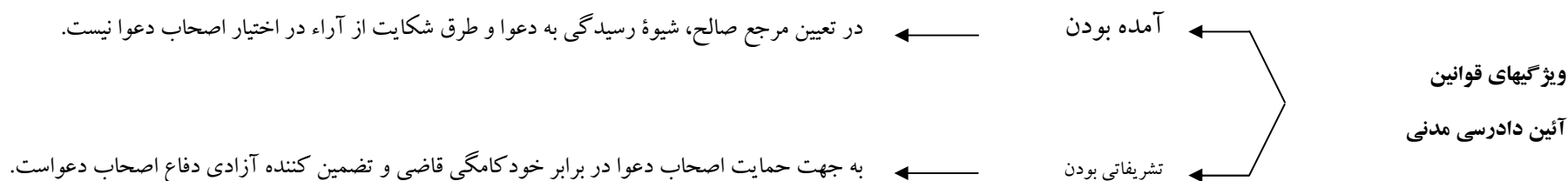
ماده ۱: آئین دادرسی مدنی مجموعه ای اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدید نظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشند به کار می رود.

تعریف امور حسبی:

اموری که دادگاهها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از طرف آنها باشند مثل صدور حکم حجر، تعیین قیم، امور مفقود الاثر، ...

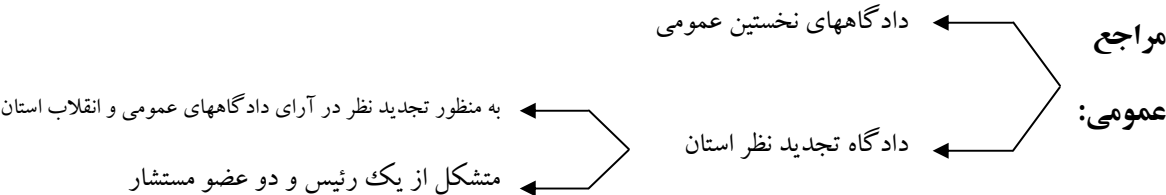
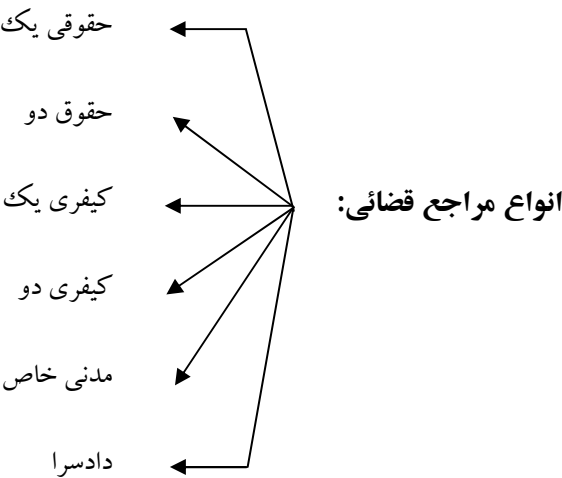
هدف آئین دادرسی مدنی:

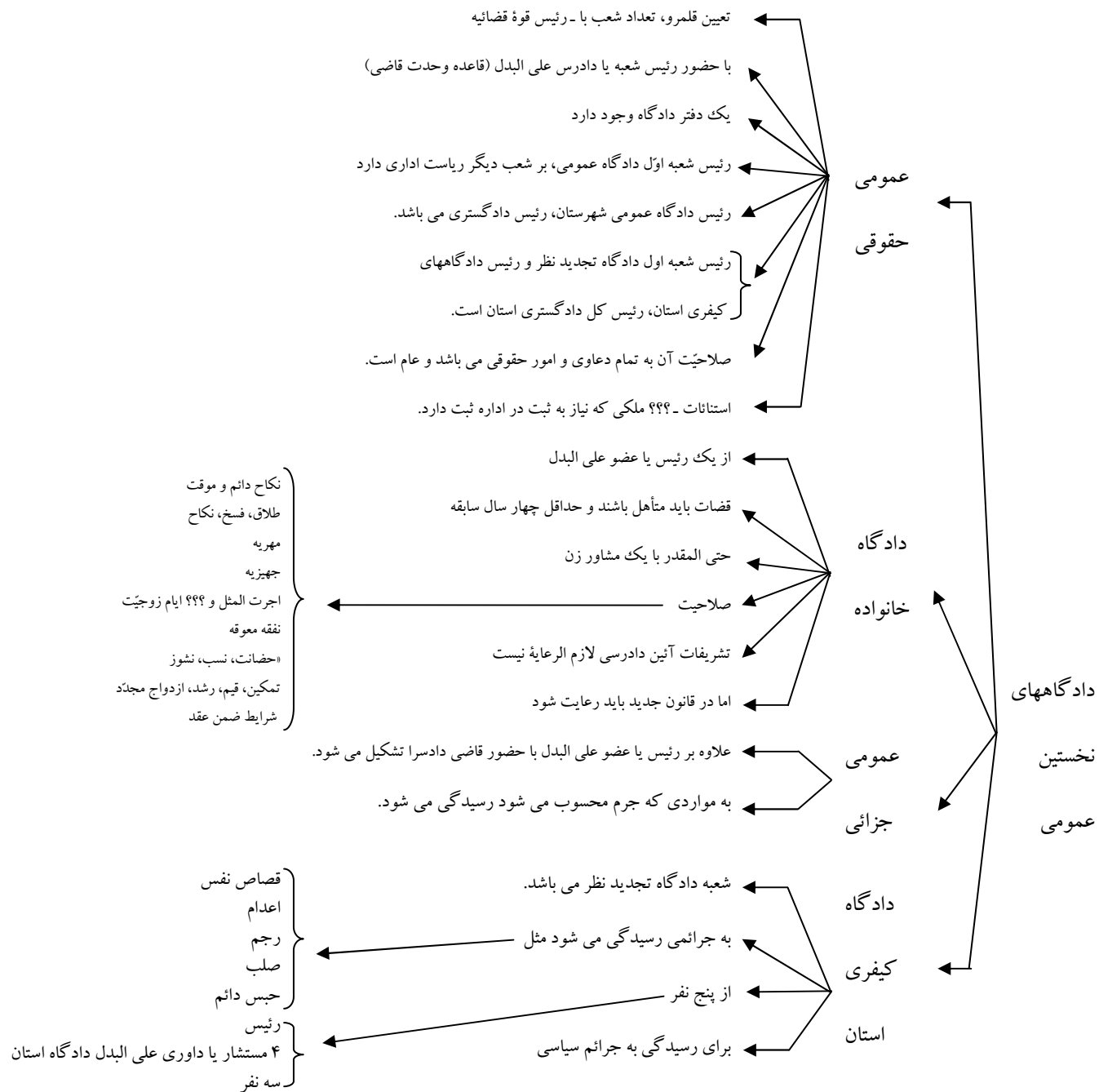
احقاق حقوق و تضمین حقوق تعیین کننده و تعهدات اشخاص و حدود آنان را رعایت نماید.



تعریف مراجع قضاوتی: کلیه مراجعی که به موجب قانون تشکیل شده و به دعاوی، جرایم و اموری که در صلاحیت آنهاست رسیدگی و اقدام به صدور رأی

می نماید. که شامل مراجع قضائی، کیفری، حقوقی و اداری می باشد.



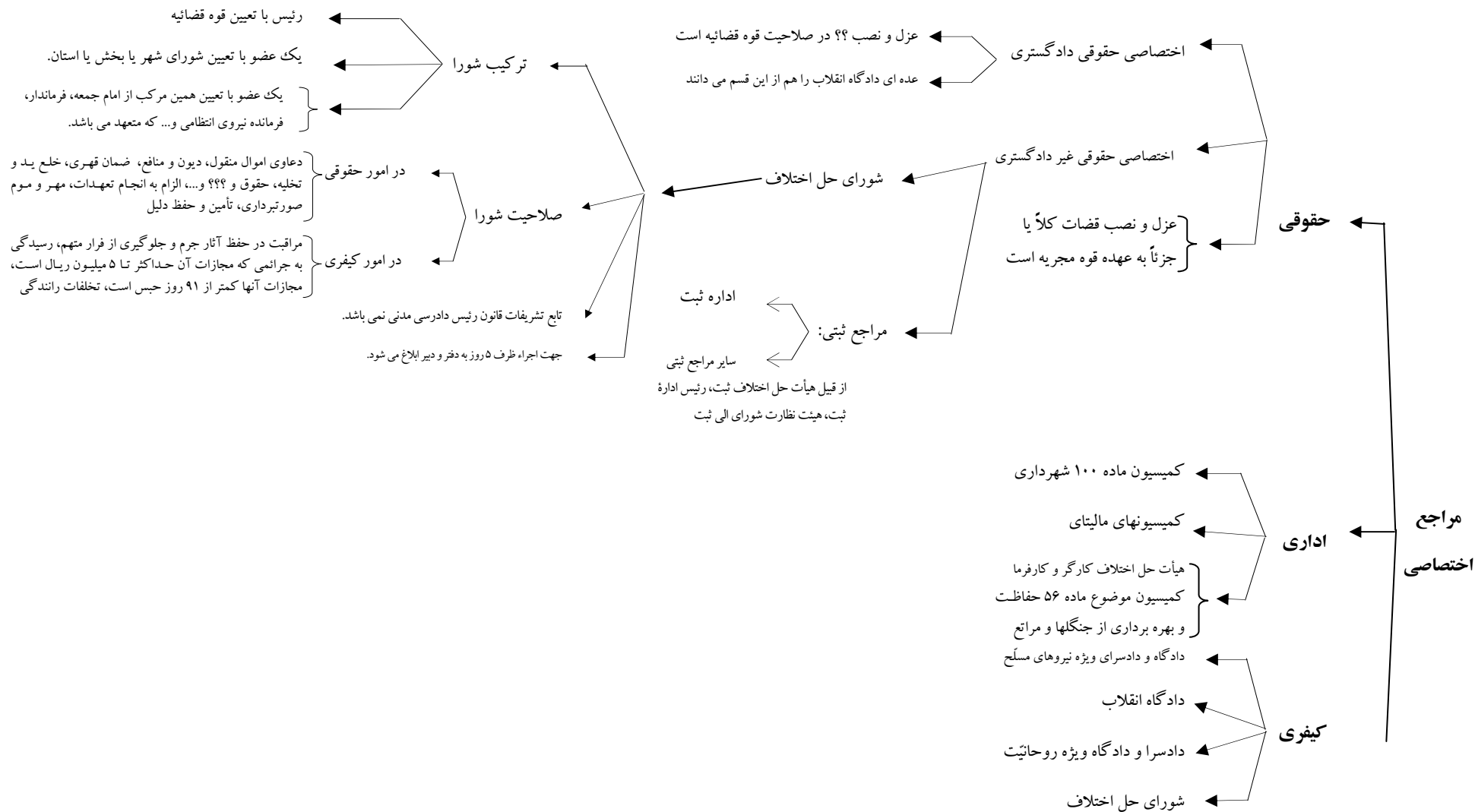


***دعوی افراز:**

دعوی شریک مال مشترکی است که به علّت عدم تراضی شریک (شرکاء) دیگر بر تقسیم، درخواست یا مشخص و جدا نمودن سهم خود از سهم یا سهام شریک (شرکاء) دیگر می نماید.

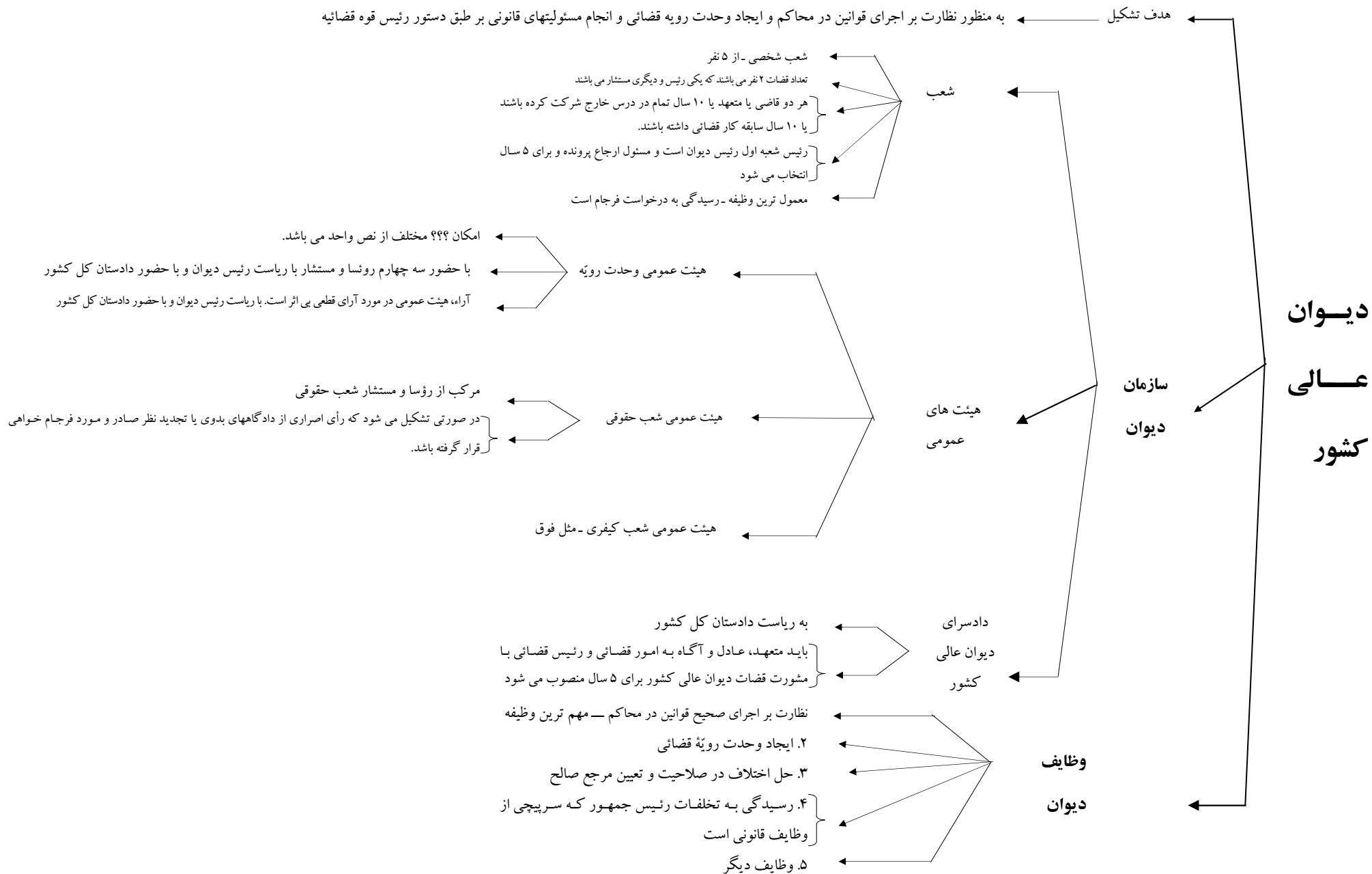
***رأی اصراری:**

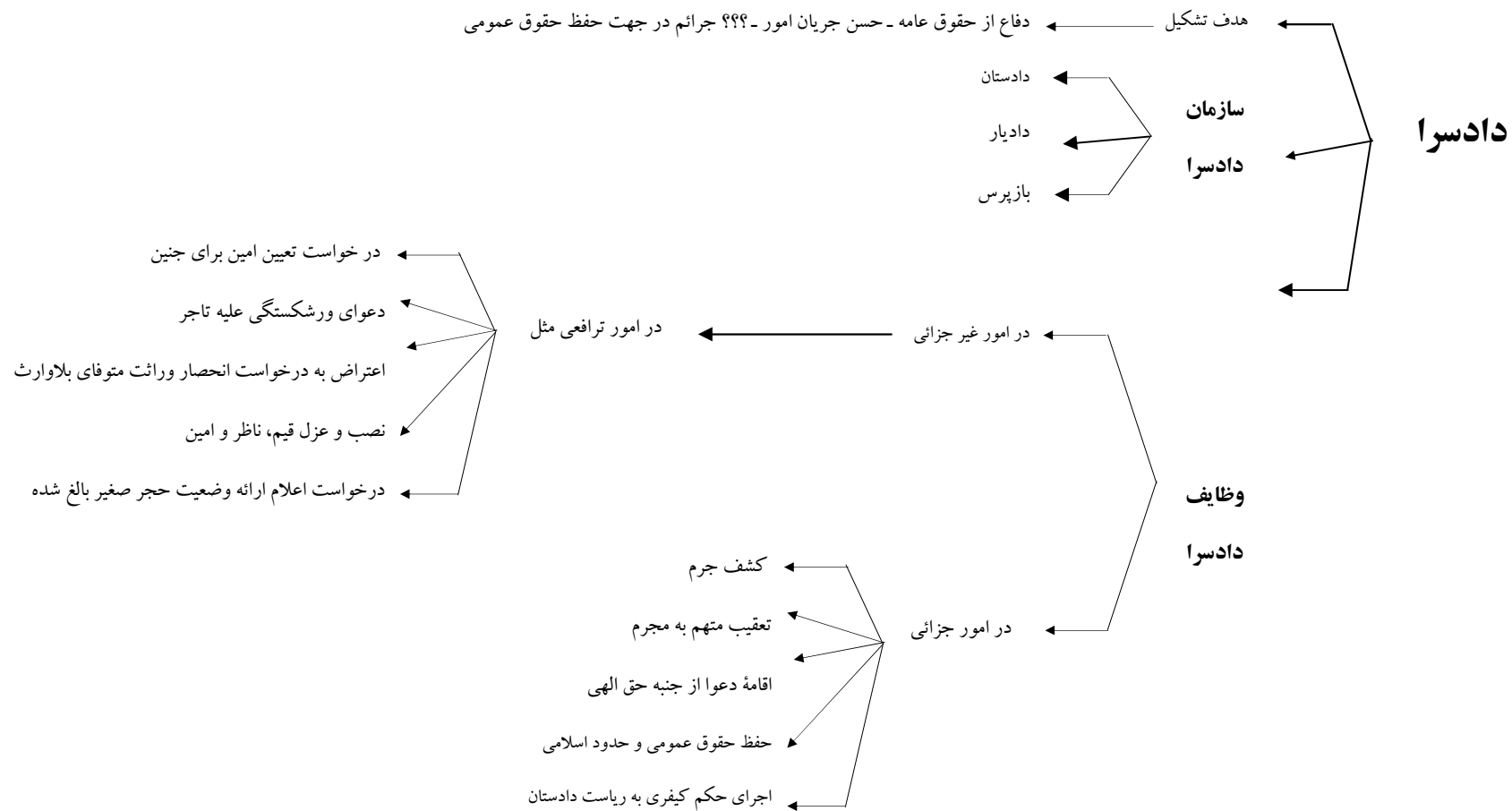
هرگاه در دعوی حقوقی، دادگاهی، رأی صادر نماید و در شعبه دیوان عالی کشور نقض گردد و پرونده برای رسیدگی به دادگاه هم عرض فرستاده شود و آن دادگاه نیز نظر دیوان عالی کشور را نپذیرد و مطابق دادگاه پیشین رأی دهد، رأی اصراری می گویند.



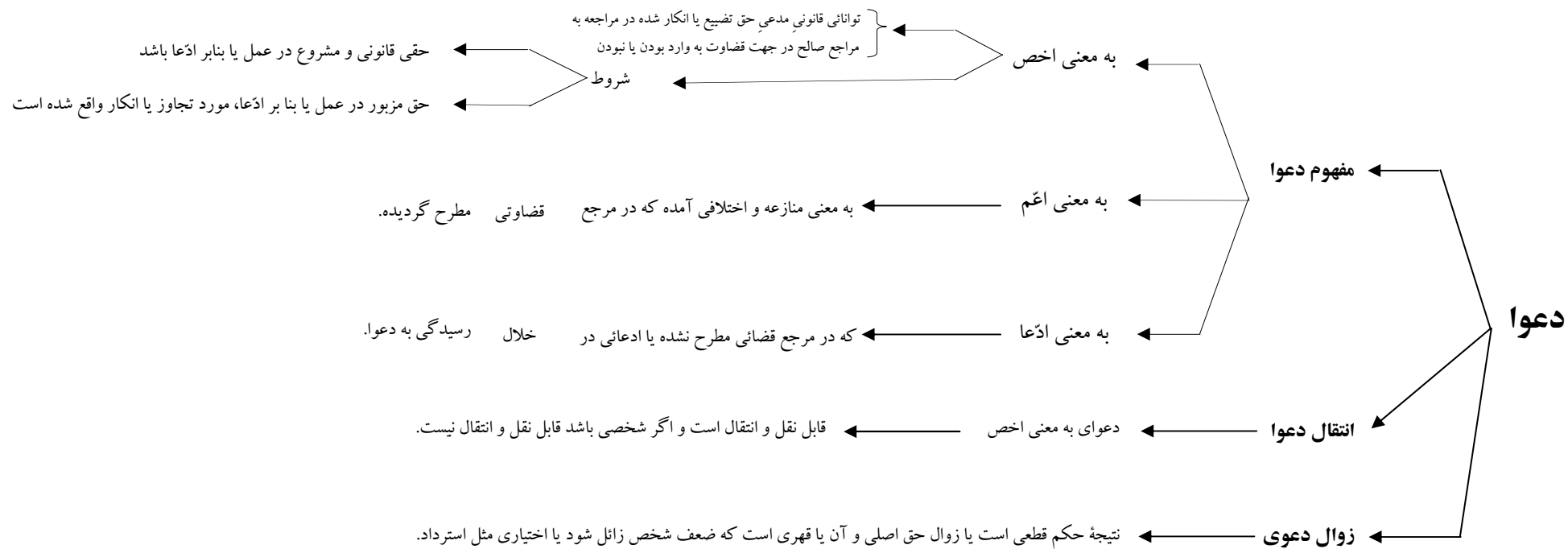
(مراجعی که تنها صلاحیت رسیدگی به امور یا محاکمه اشخاص خاصی را دارند که قانونگذار صراحتاً مشخص نموده است.

مخالف دارند چون عده ای می گویند به علت نفوذ دولت به متهم ظلم می شود.)



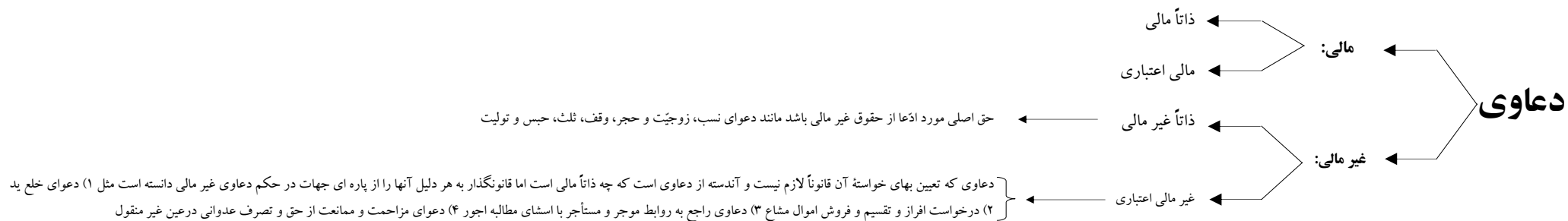


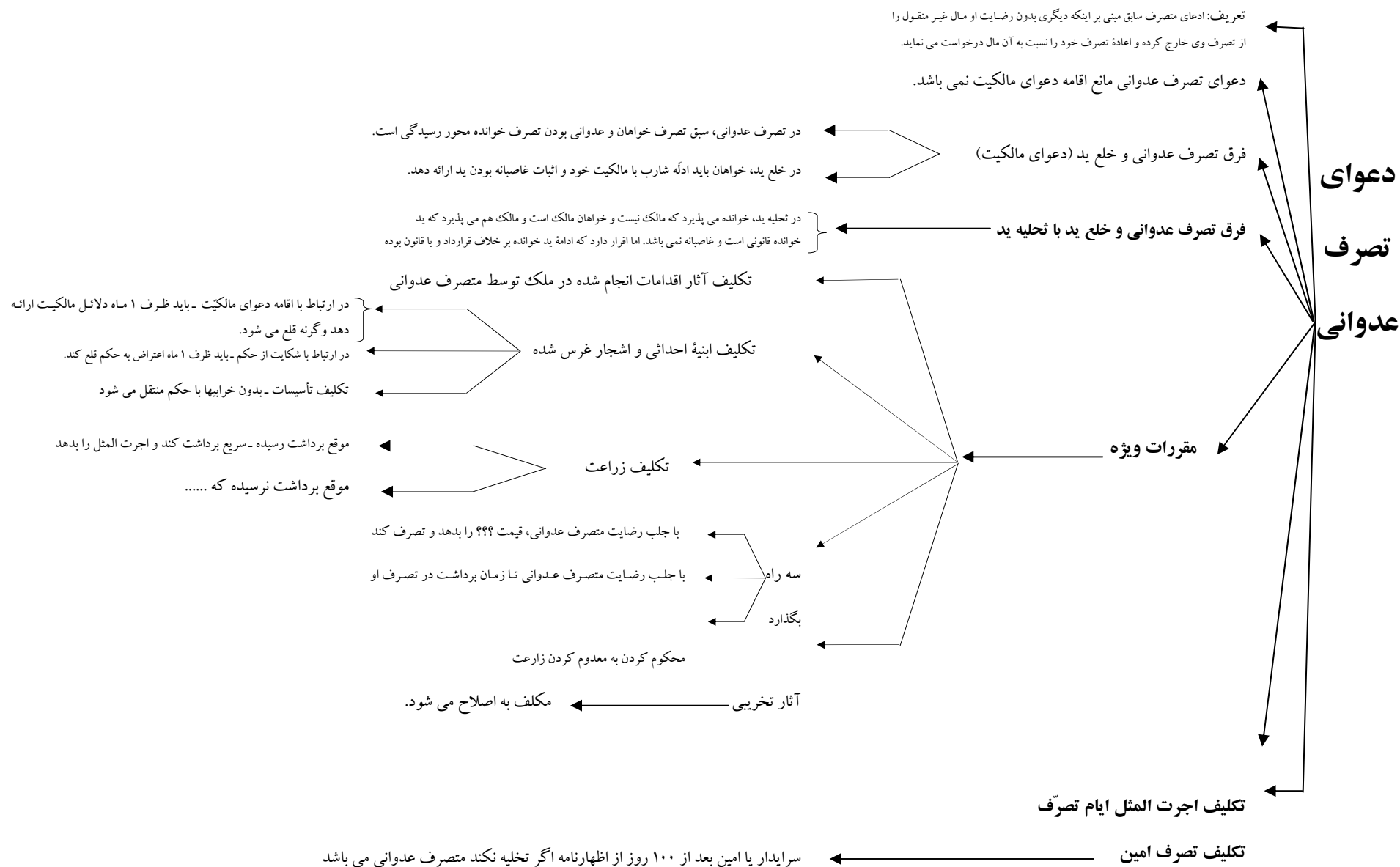












دعوای

تعریف: تقاضای کسی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد

ممانعت

مثل آبیاری زمین که از زمین همسایه می گذرد ولی او مانع شده است.

از حق

دعوای

تعریف: متصرف مال غیر منقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می نماید که نسبت به متصرفات او مزاحم است بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد

مزاحمت

مثل قرار دادن ناودان در ملک مجاور.

تفاوت دعوای مزاحمت و ممانعت: در ممانعت، عمل فاعل به طور کلی مانع استفاده کننده از حق می شود در حالیکه در مزاحمت، عمل فاعل، اخلاص جزئی

در تصرف ایجاد می نماید.

